

طرح «تشدید مجازات اسیدپاشی» به کمیسیون حقوقی مجلس رفت

راهکارهایی برای مهار یک جرم ویرانگر

اسیدپاشی، یک داستان پریان غم‌انگیز است که در آن پری‌ها، می‌سوزند چون نمی‌پذیرند بر خلاف میل خود به مردی آری بگویند. اما جامعه با سنت‌های مردسالارانه زن را به عنوان یک دارایی می‌بیند و وقتی مردی زنی را می‌خواهد وزن نه می‌گوید، باید به عنوان کالا بپذیرد که: یا مال من می‌شوی یا نابود می‌کنم. این داستان عشقی بیمار است که جز مالکیت و مال من بودن در آن معنایی وجود ندارد. عشقی که در آن معشوق باید مطیع و رام باشد و سر نوشتی را که عاشق بر او تحمیل می‌کند بپذیرد.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

مردی تا خود زن نخواهد نمی‌تواند حتی به آن نزدیک شود. بله می‌توان آن را با اسید سوزاند. می‌توان به آن آسیب زد و زشتش کرد اما رویارویی مرضیه با چهره در هم ریخته‌اش به زیبایی معنایی دیگر می‌دهد. این زیبایی تو را به فکر و تأمل وامی‌دارد. داستان در دناک و پرسوز و گداز اسیدپاشی بر چهره و بدن‌های زنانه این جامعه اما روزی به پایان خواهد رسید؛ روزی که مردانی چون همسر مرضیه خیره به زیبایی روح او در جستجوی آن زنانگی باشند که نه در چهره یک زن که در روح جامعه آزاد و رها در پی اثبات هویت و استعدادهای نادیده گرفته خود است.

چرا اسیدپاشی؟

اگر مردانی که به صورت زنان اسید پاشیده‌اند برسید چرا خواهند گفت به خاطر عشقی که نادیده گرفته شده: من با جان و دل عاشقش بودم. حاضر بودم به خاطرش هر کاری بکنم. اما در عمق این اعتراف مضحک فقط یک نکته سوسو می‌زند: اگر او نمی‌خواهد مال من شود

پس کاری می‌کنم که همه از او بیزار شوند حتی خودش حتی مادرش... کاری می‌کنم که دیگر از هر چه آینه و آینه و عشق است محروم شود. اما...

اسیدپاش یک بیمار است

محمد رضا مجد، جامعه‌شناس در این باره می‌گوید: «فردادی که در جامعه ما اقدام به اسیدپاشی می‌کنند معمولاً کسانی هستند که از دوران طفولیت دارای رفتار پرخاشگرانه بوده و در محیطی پر از خشونت رشد کرده‌اند. این افراد معمولاً در مسائل عاطفی و عشقی، شکست خورده‌اند و برای انتقام به این عمل وحشیانه دست می‌زنند. از سوی دیگر افرادی که از راه اسیدپاشی، انتقام‌جویی می‌کنند، از لحاظ روحی و روانی وضعیت نامتعادل تری نسبت به استفاده کنندگان از سلاح سرد و گرم دارند، زیرا احتمال گریز خود را بیشتر می‌دانند. اسیدپاش‌ها جزو افراد ترسو و ضعیف جامعه‌اند که جرأت مقابله مستقیم ندارند. آن‌ها با ایجاد ضایعه در قربانی، قصد دارند او را تا پایان عمر

جرایم باید از ریشه خشکانده شود و این کار نیاز به بحث‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارد.»

میرزا زاده با اشاره به ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی، توضیح می‌دهد: «در این ماده میحث قصاص تکلیف را مشخص کرده که قاتل یا قصاص می‌شود و یا با گذشت اولیای دم با توجه به ماده ۲۰۹ و ۲۵۷ قانون مجازات اسلامی به پرداخت دیه و در صورتی که اقدام جانی موجب اخلال در نظم یا خوف و یا بیم تجربه می‌تکب یا دیگران شود به حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد. در صورتی که اسیدپاشی منجر به نقص یا قطع عضو شود، قصاص عضو مستنداً به ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی و با شرایط مندرج در ماده ۲۷۴ قانون مجازات اسلامی اعمال خواهد شد. در این گونه موارد با توجه به بند ۵ ماده ۲۷۴ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته قصاص نباید بیشتر از اندازه جنایت باشد؛ این موضوع مانع انجام قصاص عضو می‌شود.»

میرزا زاده می‌گوید: «با این که بعضی از همکاران خواستار تشدید مجازات شده‌اند ولی بنده اعتقاد دارم تشدید مجازات ندارم چرا که نمونه‌های تشدید مجازات‌ها و نتیجه معکوس اثر بخشی آن‌ها کم نیست.» این وکیل دادگستری با تأکید بر این که باید در وهله اول همین قوانین موجود را در رابطه با جرایم اسیدپاشی اجرا کرد و از طرفی باید زمینه‌های ارتکاب این گونه جرایم را از میان برداشت، معتقد است: «تشدید مجازات، دردی را دوا نمی‌کند. فردی که در حالت خاص روانی قرار می‌گیرد و حاضر است چنین عمل جنایتکارانه‌ای را مرتکب شود، قطعا در زمان ارتکاب، فکر عقب‌ان را هر چند که نتیجه و عاقبتی وخیم در انتظار او باشد، نخواهد کرد. معمولاً مرتکب این جرایم تشدید مجازات را در نظر نمی‌گیرند و تخلیه روانی خود هستند.»

عدم عرضه اسید یا تشدید مجازات؟

عضو فراکسیون زنان مجلس درباره تصویب طرح تشدید مجازات اسیدپاشی در کمیسیون قضایی می‌گوید: «بهترین راه برای این که بتوانیم نظارتی داشته باشیم، این است که از خریداران کارت شناسایی دریافت کنیم، اگر خریدار اسناد هویتی به فروشنده ارائه دهد و از سوی دیگر فروشنندگان هم برای دولت قابل شناسایی باشند، تا حد زیادی می‌توانیم مانع از این بزه اجتماعی شویم. مثلاً در برخی کشورها فروشنده امکلف می‌کنند که موارد مشکوک را گزارش بدهد» فاطمه حسینی می‌افزاید: «پس اگر دقیق به ماجرا نگاه کنیم، راهکارهای زیادی برای جلوگیری و توزیع سهل و

اسیدپاشی موضوع خیلی مهمی است و ما همواره باید در ذهن مان این موضوع را داشته باشیم که در بیشتر جوامع سنتی و جوامعی که ریشه‌های سنت و مردسالارانه قوی دارد، کالبد و جسم زن همیشه محل مناقشه بوده است و در واقع محلی برای وجه المصلحه یا انتقام شناخته شده است

راحت این مواد وجود دارد. به این ترتیب می‌توانیم آمار قربانیان اسیدپاشی را کاهش دهیم.» حسینی که خود طرح «تشدید مجازات اسیدپاشان» است، یادآور می‌شود: «در موضوع تشدید مجازات اسیدپاشی، علاوه بر قصاص نفس یا عضو، با توجه به میزان دیه اعضای بدن، حبس‌های تعزیری درجه ۱ تا ۴ پیش‌بینی شده است.»

به گفته حسینی، بر مبنای یکی از مواد این طرح، تشدید مجازات معاونت در جرم اسیدپاشی پیش‌بینی شده است. وی در ادامه با اشاره به مواد مربوط به حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از اسیدپاشی در این طرح، به پیش‌بینی راهکارهایی در زمینه تأمین هزینه‌های درمان بزه‌دیده و همچنین خسارات روانی و اجتماعی وارد بر وی اشاره کرده و توضیح می‌دهد: «پرداخت دیه از بیت‌المال در صورت عدم دسترسی یا شناسایی مرتکب نیز در این طرح مورد توجه قرار گرفته است. با تصویب جزئیات طرح، کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، گزارش آن‌را برای قرار گرفتن در دستور کار صحن علنی به هیات رئیسه ارائه می‌کند.»

در این رابطه یکی از فعالان حقوق زنان می‌گوید: «مساله اسیدپاشی موضوع خیلی مهمی است و ما همواره باید در ذهن مان این موضوع را داشته باشیم که در بیشتر جوامع سنتی و جوامعی که ریشه‌های سنت و مردسالارانه قوی دارد، کالبد و جسم زن همیشه محل مناقشه بوده است و در واقع محلی برای وجه المصلحه یا انتقام شناخته شده است. که در این میان تنها چیزی که صدمه می‌بیند جسم و روح زن است. از طرف دیگر قوانینی که در جامعه داریم در این مورد ناقص یا فاقد حمایت‌گری لازم برای زنان است. قوانین در زمینه‌های حمایت از زنان به هیچ وجه بازدارنده نیست؛ سال‌هاست لایحه‌ای در جهت حمایت از زنان مطرح شده اما هنوز نمی‌دانیم این لایحه در چه مرحله‌ای قرار دارد و اصلاً تصویب می‌شود یا نه؟»

از گوشه و کنار

اجرای برنامه پیشگیری از اعتیاد زنان در ۵۰۰ محله تهران



رئیس مرکز پیشگیری و اعتیاد سازمان بهزیستی کشور گفت: برنامه پیشگیری از اعتیاد زنان و کودکان موسوم به «پازک» در ۵۰۰ محله پرخطر از سه هزار محله پرخطر شناسایی شده در کشور اجرا می‌شود.

فرید براتی سده در گفت‌وگو با ایرافزود: برنامه پیشگیری از سوء مصرف مواد در زنان و کودکان در محله‌های پرآسیب ۱۵ استان منتخب از جمله استان‌های لرستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان و خراسان رضوی اجرا خواهد شد.

وی، اعتبار را نظر گرفته شده برای اجرای این طرح را ۵۰۰ میلیون تومان عنوان کرد و گفت: بخشی از این اعتبار راستاد مبارزه با مواد مخدر و بخشی دیگر را سازمان بهزیستی تأمین می‌کند.

براتی سده خاطر نشان کرد: در اجرای این طرح، کارشناسان بهزیستی به سراغ خانواده افراد معتاد می‌روند و برای کودکان و زنان دوره‌های آموزشی پیشگیری از سوء مصرف مواد برگزار می‌کنند.



برنامه ۷ مرحله‌ای کاهش طلاق اجرا می‌شود



رئیس سازمان امور اجتماعی کشور گفت: برنامه هفت مرحله‌ای کاهش طلاق شامل آموزش‌ها و مهارت‌آموزی برای دختران، آموزش‌های قبل، حین و بعد از ازدواج و حتی بعد از طلاق در کشور اجرا می‌شود.

تقی رستموندی تصریح کرد: کار گروه ملی کاهش طلاق چند سال است که در شورای عالی انقلاب فرهنگی مشغول برنامه‌ریزی است و برنامه‌هایی نیز ابلاغ شده است.

وی ادامه داد: برنامه‌های هفت مرحله‌ای برای کاهش طلاق، افزایش ازدواج و تحکیم بنیان خانواده طراحی شده است که شامل آموزش‌ها و مهارت‌آموزی‌های لازم به ویژه برای دختران قبل از ازدواج، حین ازدواج و بعد از ازدواج است و کلاس‌هایی هم برای تحکیم بنیان خانواده برگزار می‌شود.

رستموندی خاطر نشان کرد: همین مشاوره‌ها و آموزش‌هایی نیز قبل از طلاق، برای پیشگیری و قطع شدن طلاق و بعد از طلاق برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از طلاق برگزار می‌شود.

افراد در قبال رفتار حیوانات خود مسئولیت حقوقی و کیفری دارند

یک حقوقدان و استاد دانشگاه گفت: همان‌طور که دارندگان و صاحبان اشیا از قبیل وسایل نقلیه در مقابل فعل ناشی از شیء و وسیله خود در قالب قصور و کوتاهی در انجام وظیفه یا تعدی و تفریط مسئول هستند، صاحبان حیوانات نیز در قبال رفتار ناشی از عمل حیوان تحت اختیار خود مسئولند.

محمود زاهدپور با اشاره به نگهداری حیوانات اهلی و بعضاً وحشی توسط برخی افراد جامعه گفت: در صورت وقوع حوادثی مانند آن چه در هفته‌های اخیر شاهد بودیم، در ماده یک قانون مسئولیت مدنی تصریح شده است که «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران ناشی از عمل خود است.»

وی تأکید کرد: این مسئولیت بالقوه شامل آحاد شهروندان است لذا ممکن است در استفاده نادرست و نابه‌جا از اشیا و حیوان متجلی شود. در این راستا قانونگذار در ماده ۳۳۴ قانون مدنی بیان کرده که «مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود مگر این که در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد اما در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشاء ضرر شود، فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود.»

باشد: قبل از هر جهت گیری، هر سیاست‌گذاری، هر سخنرانی از خود بپرسند حاصل این تصمیم/سیاست سخنرانی من، افزایش امید و امنیت است یا منجر به تخریب سرمایه اجتماعی (امید + امنیت) می‌شود؟

همین سیاست‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سخنرانی‌های ساده ماست که به جامعه امنیت و امید تزریق می‌کند! همین سخنرانی و سیاست‌هاست که تعیین می‌کند نخبه باهوش بعدی در ایران به دنیا بیاید یا در استرالیا! همین سیاست‌ها و سخنرانی‌هاست که تعیین می‌کند میلیارد دلار بعدی در ایران سرمایه‌گذاری شود یا در گرجستان؟ همین سیاست‌ها و سخنرانی‌هاست که تعیین می‌کند دفتر بعدی شرکت‌های برتر جهانی در علی‌آباد ایران تاسیس شود یا حیدرآباد هندوستان.

هنوز دیر نشده است! ایران هم چنان جذاب و دوست‌داشتنی است. بگذاریم برای ساختن این سرزمین دست‌ها به کار افتد و آستین‌ها بالا زده شود و نه این که «پاها» عزم رفتن کنند و هزاران سر (مغز) و میلیارد‌ها سرمایه (ثروت) را با خود برای همیشه ببرند!

و برنامه‌ریزی بلندمدت صحبت کرد؟ آیا در آن کشور صحبت از فرزندآوری و سرمایه‌گذاری حرف معقولی است؟

بسیاری از کسانی که می‌روند فقط یک دلیل ساده دارند: آرامش روانی ندارم، چرا مانند شهروندان دیگر کشورها، نباید تصویر مشخصی از ۲۰۱۰ و ۳۰ ساله زندگی شخصی و اوضاع کشور خود داشته باشیم؟ به همین خاطر است که عده‌ای ترجیح می‌دهند فرزندان خود را در خاک دیگری به دنیا بیاورند. چون به فردایی در خاک مطمئن نیستند. سوال آنان این است که چرا باید میان این همه کشور، فقط کشور ما این چنین همواره زیر سایه جنگ و زور بار تحریم‌ها باشد؟

تجویز راهبردی

مدیران ارشد کشور ممکن است به تظاهرات، اعتصابات و اغتشاشات حساس باشند و باید هم باشند. برای آن شوروی امنیت استان و شورای امنیت ملی را تشکیل می‌دهند و تدبیر می‌کنند. اما بهتر است برای این مهاجرت فراگیر (پدیده‌های بسیار وسیع تر و وخیم تر از مهاجرت نخمگان) نیز تشکیل جلسه دهند و تدبیر کنند. برای آغاز شاید یکی از اولین راهکارها استفاده از «سنت امید»

من با پاهایم رای می‌دهم! این پیام واضح است!

مجتبی لشکر بلوکی

عمیق و بسیار در دناک خلاصه کرد: امید و امنیت. امید تعریف ساده‌اش می‌شود: برداشت مثبت نسبت به تغییر ملموس در آینده. فردی که مدتی در چنین زندگی کرده، می‌گفت در بسیاری از نقاط چین، مردم زندگی به مراتب بدتری از ما دارند. حتی او از برخی محلات شهری دیدار کرده بود که توصیفش واقعا تکان دهنده بود. به مراتب زندگی مادر مقابل آنان بهتر بود. اما می‌گفت یک نکته مهم در همان محلات با سطح زندگی بسیار پست و گاه مشمئزکننده وجود داشت: امید. چرا؟ چون نشانه‌های روشن تغییر را دیده بودند. چگونه؟ محله‌های کناری یا شهرهای دیگر را دیده بودند که یکی پس از دیگری بازسازی می‌شوند و سطح زندگی‌شان بهبود پیدا می‌کند.

افراد یک کشور باید نشانه‌های امید را درک کنند. بخوانید نوید بهتر شدن، نه همین الان بلکه تغییرات ملموس در آینده. اما وقتی تحصیل کردگان، ثروتمندان و کارآفرینان همه

زمان آن رسیده است که با این حقیقت عریان روبه‌رو شویم؛ اگر تا دیروز ما با پدیده «مهاجرت نخمگان» روبه‌رو بودیم اکنون با پدیده «مهاجرت فراگیر» مواجهیم. پدیده‌ای به مراتب عمیق‌تر، وسیع‌تر و در دناک‌تر! عادی و نخبه، قشر مرفه و متوسط، تحصیل کرده و در حال تحصیل، به فکر رفتن هستند. چرا ترجیح می‌دهند به کشوری دیگر بروند و از صفر شروع بکنند؟ چرا دانشجویان کارشناسی هم و غم‌شان گرفتار پذیرش از دانشگاه‌های خارجی و رفتن است؟ چرا مهاجرت رخ می‌دهد؟ زمانی در تاریخ سیاسی مساله مهاجرت را تعبیر کرده‌اند به رای دادن یا! یعنی کسانی که حرف‌شان را پای صندوق‌های رای نمی‌زنند بلکه می‌گذارند و می‌روند. از مهم‌ترین دلایل مهاجرت می‌توان به دو مساله اشاره کرده و آن‌ها را در دو کلمه ساده، بسیار پیش‌یافته‌ها اما